

تهران بار دیگر در آتش و خون!

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر - ۸ دی ماه ۱۳۸۸

ساعت ده و نیم صبح خیابان آزادی بعد از بزرگراه یادگار امام از توی پیاده رو خیابان از هر دو سمت جمعیت زیادی بسرعت به سمت میدان انقلاب می رفتند ایستگاه اتوبوس هم پر از مسافر است اما از اتوبوس خبری نیست پیداست که برای اختلال در حرکت مردم آن را تعطیل کرده اند پس تصمیم می گیرم که پیاده بروم به سمت میدان انقلاب. سر چهار راه ها جمعیت زیادی ایستاده اند. بعد از بزرگراه نواب در قسمت چپ خیابان جمعیت فشرده تر می شود و ناگهان حدود پانزده نفر گارد ویژه ضد شورش حمله می کنند و با باتوم شروع می کنند به ضربه زدن به میله های آهنی و مردم. جمعیت روی هم می ریزد و من برای اینکه له نشوم از نرده های آهنی حیاطی بالا می کشم و از آنجا صحنه بهتر دیده می شود دو نفر از نیروهای ضد شورش تک تیرانداز هستند که اسلحه معروف به قناسه دارند حدود ده نفر دیگر هم اسلحه پرتاب گاز اشک آور و باتوم و کلاه خود دارند.

مردم بعد از مدتی توقف به راه خود ادامه دادند در طرف دیگر هم تعدادی نیروی ضد شورش مستقر بودند اما موتورسوار نسبت به دفعات قبل در این طرف کمتر بود نیرویشان متمرکز کردند برای میدان امام حسین.

جمعیت شعار می داد: **نترسید نترسید ما همه باهم هستیم و برادر ارتشی چرا برادر کشی.** زنی گفت ما داشتیم می رفتیم به سمت میدان انقلاب که نیروهای ضد شورش حمله کردند. شعار **مرگ بر دیکتاتور** اوج می گیرد.

از طرف دیگر چهار راه، باران سنگ بر نیروهای ضد شورش می بارد که باعث می شود آنها چهار راه را ترک کنند. از بزرگراه نواب به سمت میدان توحید هر پنجاه متر ده نیروی ضد شورش ایستاده و مردم را می زنند که پراکنده شوند.

ماشینها بوق می زنند بناگهان دو سه نفر لباس شخصی پلاک ماشینی را می کنند مردم هو می کنند. از سمتی دیگر جوانان دو سطل آشغال بزرگ آهنی را هول می دهند و با آن اقدام به بستن خیابان می کنند. سطل آشغال پلاستیکی دیگری را آتش می زنند و سپس با استفاده از کیسه شنهای مخصوص روزهای برفی مسیر بی آر تی را می بندند تا موتورهای ضد شورش نتوانند تردد کنند.

ساعت یازده و نیم چهار راه سلسبیل جنگ و گریز در جریان است. مردم شعار می دهند: **مرگ بر دیکتاتور.** نیروی ضد شورش عمده تلاشش اینست که نگذارد جمعیت یکی شود. دختر جوانی می گوید اینها نفسهای آخرشان است و بزودی سرنگونند. توی تقاطع بزرگراه نواب و آزادی مردم بزرگ خامنه ای را پائین کشیده اند و آن را لگد مال و پاره می کنند و مرد جوانی با فندک آن را به آتش می کشد نیروهای لباس شخصی جاسوس میان مردم زیادند اما جرئت ندارند کاری بکنند اما در گوشه ای یکیشان که خیلی چاق هم هست چاقو می کشد که بلافاصله مردم روی سرش می زنند و شروع به زدنش می کنند و هیچکس هم برایش دل نمی سوزاند.

یکی می گوید موتوری ها رفتند حرکت کنید بسمت بالا. خبر می رسد که در میدان امام حسین غلغله است يك نفر که تازه آمده بود از آنجا می گفت که در يك هیئت واقع در نظام آباد، مداحی شروع کرده که بگوید اینها می گویند نماینده امام زمانند که نیروی ضد شورش حمله کرده و درگیری شروع می شود.

مردم شعار می دهند: **این ماه ماه خون است خامنه ای سرنگون است.** به طرف میدان انقلاب با يك موتور می رم میدان انقلاب پر از نیروهای ضد شورش و لباس شخصی هاست و راه ماشینها و حتی پیاده ها را جلوی دانشگاه و سمت مقابل جلوی کتابفروشی ها را بسته اند. یکی می گوید ساعتی پیش تظاهرات گسترده و درگیری در آنجا رخ داده است. از آنجا به طرف کارگر جنوبی سرازیر می شوم در کوچه ها جوانان در حرکت معلوم است که تازه از درگیری آمده اند نیروی ضد شورش خیابانی را بند آورده اند. بر می گردیم به سمت بزرگراه نواب تقاطع جمالزاده و آزادی مملو از جمعیت است. مردم شعار می دهند: **مرگ بر این دولت مردم فریب.**

سر خیابان اوستا و جلوی بوستان اوستا در خیابان آزادی جمعیت زیادی ایستاده اند و مسیرهای بی آر تی را با بلوک و آجر و علایم رانندگی بسته اند و با سنگ روی نرده های آهنی می کوبند پیرمرد و پیرزن زحمتکشی در اینکار از همه فعالترند. جلوتر تقاطع آزادی و اسکندری مملو از مردم است و شعار می دهند:

خامنه اي يزيده يزيدي سرنگونه! و **خامنه اي يزيدي شد روي يزيدي سفيد شد.** و **خامنه اي بدونه بزودي سرنگونه!** **اين لشگر حسينه ياور ميرحسينه.** و **حسين حسين شعارشون تجاوز افتخارشون و اين ماه ماه خونه يزيدي سرنگونه!** و **مرگ بر ديكتاتور!**

تعدادي از جوانان مجسمه نيم تنه نواب صفوي را در بزرگراه نواب براي سربردن سبز درست مي کنند مردمي مي گويد ولش كنيد مرتجع بود اما كسي گوش نمي دهد.
تقاطع رودكي و خيابان آزادي دست مردم است هليكوپتر ناجا در ارتفاع پائين از بالاي آن عبور مي كند مردم هو مي كنند.

جلوتر در ايستگاه بهبودي مردم شعار مي دهند: **منتظري نمرده ديكتاتوره كه مرده.** نيروي ضد شورش گاز اشك آور مي زند. مردم شعار مي دهند: **مرگ بر خامنه اي** زني به شوهرش مي گويد مذهب فايده ندارد و اين مراسم عاشورا ديگر خيلي تكراري است و مرد ميانسالي مي گويد كه راست مي گويد بايستي از حقوق زنان و مليتها و دمكراسي دفاع كرد شوهر زن مي گويد قدم به قدم.
ساعت يك جمعيت در تقاطع خيابان خوش و كلهر در سلسبيل خيلي زياد است و خيابان پر از دود و آتش است.

جلوي مسجد لولاگر جايي كه در سي خرداد از بالاي آن به سمت مردم تيراندازي كردند و تعدادي را كشتند جمعيتي ايستاده و از هيئتي توي كوچه روبرو غذا و چاي مي گيرند و مسئولين مسجد كه قيافه بسيجي دارند سعي مي كنند كه خودشان را بيطرف نشان دهند.

مترو نواب نزديك است پس مي پرم توي مترو به سمت ميدان امام حسين. بلند گو مي گه ايستگاه امام حسين توقف نداره پس پل چوبي بيرون مي آيم نرسيده به ميدان ماشين هاي نيروي انتظامي ايستاده اند و مردمي را دستگير مي كنند آنجا مركز فروش وسايل دست دوم تهران است اما مغازه ها همه بسته اند و معمولاً افراد فقير وسايل كهنه شان را توي پياده رو مي فروشند اما حالا خلوت است.

توي خود ميدان نزديك به بيست ون نيروي انتظامي مملو از مامور در ضلعي كه مسجد امام حسين درش هست مستقر شده اند در ميانشان چند نفر نيروي كماندو هستند كه لباس مشكي بر تن دارند و جليقه ضد گلوله و كلت كمري و باتوم دارند. آدم ياد سربازان اسرانيلي مي افتد كه در غزه مردم را سرکوب مي كنند.

ساعت حدود دو است و از درگيري هاي ميدان مدتي مي گذرد. مرد جواني مي گويد ساعت يازده جمعيت خيلي زيادي آنجا بوده و درگيري زياد بوده مي پرسم ده هزار نفر مي شدند؟ مي گويد خيلي بيشتري. بعدا كه شب تصاوير تظاهرات را در پل چوبي ديدم بنظر درست مي گفت.

از آنجا مي خواهم برگردم با بي آرتي برم كه تا ميدان امام حسين بيشتري نمي رود و بنابر اين نميشه از جلوي دانشگاه و دروازه دولت و غيره گذشت. در ايستگاه اتوبوس آخوند جواني بهمراه مریدانش ايستاده اند بنظر طرفدار احمدي نژاد است و او مي گويد كه جمعي از ارادل مشكلات را بوجود آوردند! مي خوام جواب تندي بهش بدهم اما موقعيت مناسب نبود بنابر اين فقط به اين بسنده مي كنم كه بگويم مالاها بهتره در سياست دخالت نكنند او هم خودش را به مظلوميت مي زند و مي گويد كه اصلاً! بعد با هم مي چپيم توي اتوبوس لبالب پر و مي بينم كه با ترس دارد نگاه مي كند چون تنها آمد تو.

بر مي گردم به سلسبيل ساعت حدود سه و نيم است. نيروي ضد شورش در خيابان جیحون در دسته هاي ده نفری شروع به مستقر کردن می کنند چون لانه شان همانجاست روبروي استخر تامين اجتماعي. و بعد بيخودي گاز فلفل مي زنند. پسر ده ساله اي توي كوچه اي شروع به گريه كردن و استفراغ مي كند صورت و چشمهايش سرخ شده اند. به چند زن كه از خانه هایشان بيرون مي آيند مي گويم اين پسر را ببريد كمی آبلیمو بهش بدهيد بالاخره يكيشان قبول مي كند. گازش خيلي تند بود چشمانم بد جور مي سوزد براي مردم ديگر گاز اشك آور عادي شده است.

آنطرفتر اما در خيابان رودكي غلغله است صدها جوان بدنبال چهار جوان صورت پوشيده كه روي ارايه اي رفته اند راه مي روند و شعار مي دهند: **حسين حسين شعارشون تجاوز افتخارشان!** و **مرگ بر تو مرگ بر تو!** در اين روز شعار مرگ بر خامنه اي خيلي زياد بود و از اين لحاظ راديكالتر بود شعار ها.

جوانان به سرعت صورتهایشان را با تکه هاي يك پارچه سپاه دکه يك هيئت مي پوشانند. و صدها سنگ و آجر آماده مي كنند و بدست مي گيرند و به سمت بالا حركت مي كنند. جسارت آن چهار جوان ستودني است چون خبرچين زياد است.

ساعت حدود چهار و نيم است و هنوز سيصد نفری بدنبال این جوانان راه می روند و شعار می دهند از

نیروهای گارد خبری نیست اما چندین موتور سوار مشکوک بسیجی هی دور و بر آنها می پلکند و ارزیابی می کنند. این جوانان خستگی نمی شناسند و حاضرند تا صبح ادامه دهند.

عصر خانه هستم و ماهواره می گوید که در اثر تیراندازی و حمله نیروهای حکومتی چهار نفر کشته شده اند و چند نفر دیگر مجروح شده اند گویا از روی پل حافظ و از پائین آن، حدود ظهر تیراندازی کرده اند. فیلم های خبری کانال آسو بوضوح تصاویر دو نفر از کشته شدگان را نشان می دهد. زنی در تماس با رادیو فردا جزئیات کشته شدن يك نفر را در تقاطع فلسطین و انقلاب شرح می دهد و می گوید که مردم جسد مرد میانسالی را تا چهار راه ولیعصر حمل کردند.

خبر دیگر حاکی از کشته شدن خواهر زاده موسوی بود گویا او را نشان کرده بودند و با گلوله زده بودند او که ۳۵ ساله بود به نام علی موسوی بعدا در بیمارستان ابن سینا در صادقیه جان می بازد. بنا بر اخبار رسانه ها شب هنگام جمعیت زیادی به سمت آن بیمارستان می روند.

بنا بر اخبار رسانه های ماهواره ای خیابان ولیعصر و بلوار کشاورز در مقابل پارک لاله و میدان آزادی و خیابان ستارخان و میدان توحید تظاهرات پراکنده مردم رخ داده.

آخرین خبرها حاکی از تجمع شبانه مردم در میدان محسنی واقع در میرداماد و درگیری پراکنده مردم در اطراف صدا و سیما دارد و مردم روی بام ها شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده اند.

ساعت ۹ شب در اخبار شبکه يك سیما تصاویری از تظاهرات مردم و به آتش کشیده شدن چند موتورسیکلت و تخریب يك ساختمان را نشان می دهد و زیرنویس زده: حرمت شکنی عزاداری عاشورا توسط اغتشاشگران. بعدش مصاحبه با رادان فرمانده نیروی انتظامی تهران را پخش می کند او قیافه ناراحت و مادر مرده بخودش گرفته و می گوید که حرمت را شکستند و متأسفانه چهار نفر کشته شده اند يك نفر از پل به پائین پرت شده! دو نفر در حادثه رانندگی کشته شده اند! و يك نفر هم با گلوله - می گویند که ارتشبد از هاری در اواخر زمان شاه هم می گفته که این شعارها همه نوار است و از بلندگو پخش می شود - این در حالیست که بنا بر خبر شاهدان عینی یکی از کشته شدگان ابتدا گلوله می خورد و بعد ماشین نیروی انتظامی از رویش به عمد رد می شود و او جان می سپارد.

کلا در این روز شعارها رادیکالتر شد نسبت به شخص خامنه ای و مردم جسورتر بودند و نیروی انتظامی در بسیاری از مناطق دستور حمله و تیراندازی را اجرا نمی کردند و در بسیاری از نقاط مرکزی تهران کنترل دست مردم بود. زحمتکشان در این روز نسبت به روزهای قبل در اطراف میدان امام حسین و محله نظام آباد و محله سلسبیل حضور پر رنگتری داشتند. خواست سرنگونی در غالب شعار بیشتر شنیده می شد.

بنا بر اخبار رسیده در تبریز حداقل چهار نفر در تظاهرات ضد حکومتی کشته شدند. شهرهای شیراز و مشهد و اصفهان و زنجان و اراک هم شاهد تظاهرات گسترده مردم بوده و شعار علیه خامنه ای پر رنگ بوده. طرفداران موسوی از رادیکالتر شدن شعارها هراسانند و پیشنهاد مذاکره و گفتگو می کنند این در حالیست که بخشهایی از مردم خواستار سرنگونی هستند. در این روز بخاطر عاشورا شعارها رنگ و بوی مذهبی بیشتری داشت.

کشتن مردم در روز عاشورا لکه ننگ بزرگی بر چهره کثیف جمهوری اسلامی است که خود را نماینده امام زمان و اسلام ناب محمدی معرفی می کند.

درد بر جانباختگان راه آزادی!

مرگ بر سرکوبگران خلق!

استقلال، آزادی، برابری، جمهوری دمکراتیک مردمی!